

جلسه دهم: توکل ۳

۵- ارکان توکل

۵/۱- **وکیل خوب (تنها وکیل):** وکیل مفهومی است که همه با آن آشنا هستند، گرچه به طور معمول وکالت در محکمه مطرح می شود ولی اختصاص به این ندارد. حال اگر کسی نیاز داشت که وکیل بگیرد سراغ چه کسی باید برود؟ چند خصوصیت در یک وکیل خوب در نظر گرفته می شود:

(الف) علم: وکیل باید عالم باشد، فوت و فن دفاع از موکلش را با علم به قوانین بلد باشد به طور قطع سراغ کسی نمی روند که قوانین موجود را نمی داند و شیوه دفاع از موکلش را بلد نیست.

(ب) توانایی: وکیل خوب باید توانایی هم داشته باشد، چه بسا علم دارد اما بیان ندارد نمی تواند حرفش را جا بیندازد، این وکیل را انتخاب نمی کنند.

(ج) تشخیص: وکیل خوب باید مصلحت موکلش را بداند.

(د) خیرخواهی: باید خیر موکلش را بخواهد و برایش این مطرح نباشد که پول بیشتری به دست آورد بلکه در پی آن باشد که مصالح موکلش را تأمین کند.

خداوند تنها وکیل است: با این شرایط خداوند بهترین وکیل مؤمن است. اجازه دهید واژه را اصلاح کنم، نگویم بهترین، بگوییم تنها وکیل مؤمن است. زیرا او خالق است که: عالم است، تواناست، خیر بنده اش را می داند و مصلحت او را می خواهد. این که در قرآن این همه تاکید هست که مؤمنین فقط بر خدا توکل کنند به این دلایل است. «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»^۱ در اصل وکیل واقعی مؤمن که به درد مؤمن می خورد و مشکلاتش را حل می کند خداوند است.

۵/۲- **باور فقر خود:** این که باور کنیم ما به معنای واقعی فقیریم، هیچ چیز از خودمان نیست. «إِنَّا لِلَّهِ» ما ملک خداییم، طلبکار خدا هم نیستیم همه چیز هم دست اوست، عمرمان دست اوست، سلامتی مان دست اوست، آن موقع که خواست ما را آورد، هر وقت هم که بخواهد ما را می برد. بنابراین حتی آن بخش هایی را هم که انجام می دهیم آن هم باز با عنایت ذات مقدس ربوبی است. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ - اِی مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است». (فاطر/۱۵)

ما فقراء الی الله هستیم؛ نه تنها نان و آبمان، بلکه اصل هستی مان دست خداست. این برقی که این جا روشن است به یک مرکزی وصل است هر موقع اراده کنند، کلید را می زنند و این منطقه را خاموشی می دهند. زندگی ما هم به طور دقیق همین است، وصل به اراده خداست، هر وقت اراده کند این چراغ خاموش می شود: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» - ما از آن خدائیم؛ و به سوی او بازمی گردیم» (بقره/۱۵۶) در روایتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام هست که هر کسی زنده است دو

فرشته مراقبتش می کنند، وقتی که عجلش فرا می رسد، خدا به این دو فرشته می گوید بروید کنار. از آن جاده ای که همیشه رفته است صحیح و سالم رفته و به مقصد رسیده در همان جاده حادثه می بیند. پس ما هیچیم، هیچ؛ هر چه هست ذات مقدس ربوبی است.

۵/۳- خدا باوری: خدا باوری همان که ابراهیم علیه السلام داشت. چه ها که نکردند برای سوزاندن ابراهیم علیه السلام یک ماه همه نیروهای شان را بسیج کردند برای جمع آوری هیزم، از همه امکانات اقتصادی، فرهنگی و معنوی شان، استفاده کردند. به بت های شان اعتقاد داشتند، می گفتند هر که می خواهد بیمارش خوب بشود فلان مقدار هیزم برای سوزاندن ابراهیم علیه السلام بدهد، بیمارش شفا پیدا می کند. آتش مهیبی بر پا شد. چنان که نمی توانستند ابراهیم علیه السلام را نزدیک آتش بیاورند، ابراهیم علیه السلام را در منجنیق گذاشتند که داخل آتش بیندازند.

«قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ - گفتند: او را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید، اگر کاری از شما ساخته است». (انبیاء/۶۸)

جبرئیل نزد ابراهیم علیه السلام آمد و گفت: «کمک می خواهی؟» ابراهیم گفت: «نه». فرشته های دیگری آمدند ولی ابراهیم علیه السلام کمک هیچ کدام را قبول نکرد. جبرئیل دوباره برگشت و گفت: «لا اقل یک پیغام به ما بده برای خدا ببریم» ابراهیم علیه السلام با آرامش تمام گفت: «حَسْبِيَ مِنْ سُؤَالِي عِلْمُهُ بِحَالِي»^۱ او که می داند در چه حالی هستم، (به این می گویند ایمان، این باور زیر بنای توکل است). خداوند هم دستور داد آتش سرد شود: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ» (انبیاء/۶۹) به آتش خطاب تکوینی کردیم که سرد باش، سرد و سالم. در تفاسیر گفته شده که اگر به آتش فقط «بَرْدًا» گفته شده بود، ابراهیم در آتش یخ می زد، «سَلَامًا» هم گفته شد یعنی (سالم) گلستان، یعنی همین که می گویم آتش بر او گلستان شد.

۵/۴- باور به اسباب معنوی: بعضی ها فقط اسباب مادی را می بینند، اما آن ها که خدا را قبول دارند و ارزش های معنوی را قبول دارند، روی اسباب معنوی هم حساب باز می کنند. در قرآن می فرماید: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا - و این که اگر آن ها [جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیراب شان می کنیم» (جن/۱۶) «وَأَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ - و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن ها می گشودیم؛ ولی (آن ها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمال شان مجازات کردیم». (اعراف/۹۶) در بینش الهی اسباب مادی هم سببیت شان را از خدا می گیرند. معنای توکل هم همین است که یادمان باشد مسبب الاسباب خداوند است.

نمونه سوالات آزمون

۱- از آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» کدام مفهوم استنباط می شود؟

الف: توکل ب: اخلاص ج: ایثار د: صبر

۲- آیه شریفه «قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ» خطاب به کدام پیامبر بیان شده است؟

الف: حضرت عیسی (ع) ب: حضرت موسی (ع) ج: حضرت نوح (ع) د: حضرت ابراهیم (ع)

۳- کدام گزینه در باب توکل صحیح نمی باشد؟

الف: در بینش الهی، فقط اسباب مادی هم سببیتشان را از خدا می گیرند

ب: مسبب الاسباب خداوند هست.

ج: بحث توکل هست اینکه باور داشته باشیم که اسباب معنوی هم هست.

د: از ارکان بی تردید توکل بر خدا، باور فقر خود هست

۴- معنی صحیح آیه: "وَأَنَّهُ مَلَكُ الرِّيحِ فَقَالَ لَوْ شِئْتَ طِيرْتُ النَّارَ قَالَ لَا أُرِيدُ"

کدام است؟

الف: فرشته باران آمد گفت: اگر می خواهی فرمان دهم تا باد آتش را پراکنده نماید. گفت: نمیخواهم.

ب: فرشته باد آمد گفت: اگر می خواهی فرمان دهم تا باد آتش را پراکنده نماید. گفت: نمیخواهم

ج: فرشته باران آمد گفت: اگر می خواهی فرمان دهم تا آتش باد را پراکنده نماید. گفت: نمیخواهم

د: فرشته باد آمد گفت: اگر می خواهی فرمان دهی تا باد آتش را پراکنده نماید. گفت: نمیخواهم

۵- در آیه شریفه «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» چه نوع خطابیه به کار رفته است؟

الف: تشریعی ب: تکوینی ج: هم تشریعی و تکوینی د: عامه

